



نقش احترام به شخصیت انسانی مجرم در پیشگیری از جرم از منظر آموزه‌های اسلامی

مهدی طاهری^۱

محصل/دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

محمد علی حاجی ده آبادی

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه و مدیر حقوق مجتمع آموزش عالی علوم انسانی - اسلامی

چکیده

پیشگیری از جرم روش‌ها و الگوهای مختلفی دارد که الگوی پیشگیری کرامت‌مدار یکی از آن موارد است. منظور از پیشگیری کرامت‌مدار آن است که در فرایند مواجهه با جرم، شخصیت و کرامت ذاتی مجرم مورد توجه قرار بگیرد. پیشگیری مبتنی بر احترام به شخصیت انسانی مجرم بر این فرض استوار است که جایگاه اجتماعی افراد نقش مؤثری در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم دارد. هدف تحقیق حاضر بررسی نقش احترام به شخصیت انسانی مجرم در پیشگیری از جرم از منظر آموزه‌های اسلامی و دست‌یابی به الگویی مواجهه مؤثر با پدیده مجرمانه و پیشگیری از آن است. تحقیق حاضر در پی ارائه پاسخ به این مسأله است که احترام به شخصیت انسانی مجرم از چه جایگاهی در آموزه‌های اسلامی برخوردار است و این رویکرد چه تأثیری در پیشگیری از جرم دارد. داده‌های تحقیق حاضر از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی بر مبنای آموزه‌های اسلامی و جرم‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که بر اساس آموزه‌های اسلامی، ارتکاب جرم کرامت ذاتی انسان را مختل نمی‌سازد و این مسأله دارای مبانی قرآنی، روایی و عقلی است که شامل مؤلفه‌هایی چون تأکید بر پوشیده ماندن برخی جرایم، عفو و اهمال در اعمال برخی مجازات‌ها می‌گردد. نتایج به‌دست‌آمده حکایت از آن دارد که احترام به شخصیت انسانی مجرمان که در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته، بر اساس یافته‌های جرم‌شناختی نیز، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از جرم دارد. مقاله حاضر ابتدا به تبیین مفاهیم کلیدی و سپس مبانی احترام به شخصیت انسانی مجرمان در آموزه‌های اسلامی و مؤلفه‌های رویکرد پیشگیری مبتنی بر احترام به شخصیت انسانی مجرم را مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: مجرم، پیشگیری از جرم، احترام به شخصیت انسانی مجرم، آموزه‌های اسلامی.

The Role of Respecting the Human Dignity of Criminals in Crime Prevention from the Perspective of Islamic Teachings

^۱ نویسنده مسئول: mahdi.taheri1368@gmail.com

Mahdi Taheri¹

PhD student in Criminal Law and Criminology, Al-Mustafa International University, Islamic Humanities Sciences
Higher Education Complex, Qom, Iran

Mohammad Ali Hajidehabadi

Associate Professor in the Department of Criminal Law and Criminology at Qom University and Director of the Law
Department at the Islamic Humanities Sciences Higher Education, Al-Mustafa International University

Abstract

Crime prevention has different methods and models, of which the dignity-based prevention model is one of them. Dignity-based prevention means that in the process of facing the crime, the character and inherent dignity of the criminal is taken into consideration. Prevention based on respect for the criminal's human personality is based on the assumption that people's social status has an effective role in committing or not committing a crime. The aim of the current research is to investigate the role of respect for the criminal's human personality in crime prevention from the perspective of Islamic teachings and to find a model of effective confrontation with the criminal phenomenon and its prevention. The current research seeks to provide an answer to the question of what respect the criminal's human personality has in Islamic teachings and what effect this approach has on crime prevention. The data of the current research has been collected through library studies and analyzed using the analytical-descriptive research method based on Islamic teachings and criminology. The findings of the research indicate that according to Islamic teachings, committing a crime does not create a disturbance in the inherent dignity of a human being, and this issue has Quranic, narrative and rational foundations, which include components such as emphasis on the concealment of some crimes, forgiveness and negligence in the actions of some There are punishments. The obtained results indicate that respect for the human personality of criminals, which is emphasized in Islamic teachings, has a decisive role in crime prevention based on criminological findings. The present article first explains the key concepts and then examines the basics of respect for the human personality of criminals in Islamic teachings and the components of the prevention approach based on respect for the human personality of the criminal.

Keywords: Criminal, crime prevention, respect for the criminal's human personality, Islamic teachings.

¹. Corresponding Author: Mahdi.taheri1368@gmail.com

مقدمه

پیشگیری از جرم به معنای «مجموعه راهبردها و تدابیر اتخاذی در یک جامعه معین و در زمان معین در زمینه پیشگیری و یا کاهش اعمال ناقض هنجارهای اجتماعی و یا قانونی و نیز مسائل ناشی از آن مانند ترس از جرم است» (جندلی، ۱۳۹۳: ۳۳). با توجه به اهمیت و جایگاهی که امروزه اقدامات و رویکردهای پیشگیری از جرم پیدا نموده، نظام‌های جزایی کشورها تلاش کرده‌اند تا راه‌کارها و روش‌های کارآمدی این اقدامات را تقویت کنند. به همین دلیل امروزه از تاکتیک‌های مختلفی از قبیل مبارزه با زمینه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی جرم استفاده می‌شود تا میزان ارتکاب جرایم و گرایش افراد به سمت رفتارهای مجرمانه به حداقل ممکن کاهش پیدا کند. در مطالعات جرم‌شناختی گذشته معمولاً به خود عمل مجرمانه توجه می‌شد، لذا به مجرم اهمیت زیادی قائل نبودند. به همین دلیل روش‌های مواجهه با جرم و پیشگیری از تکرار آن نیز معمولاً معطوف به سرکوب مجرمین بوده است؛ اما در مطالعات جدید جرم‌شناسی، انسان‌محور اصلی نظریات جرم‌شناسان قرار گرفته و این باور شکل گرفته است که انسان در ارتکاب جرم تحت تأثیر شرایط محیطی قرار می‌گیرد، لذا به لحاظ اخلاقی نمی‌توان او را مقصر صرف دانست (میر خلیلی، ۱۳۹۷: ۴۲). به همین دلیل بحث اصلاح و باز اجتماعی کردن مجرمان، به یکی از گفتمان‌های مهم حقوق کیفری تبدیل شده است. امری که باعث شده حقوق جزا با شعار پیشگیری بهتر از درمان است، به سمت سیاست‌های پیشگیری از جرم حرکت کند. برآیند چنین رویکردی ارائه نظریه‌ها و الگوهای مختلف پیشگیری از جرم توسط دانشمندان حقوق جزا و جرم‌شناسی بوده است؛ لذا در این زمینه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی مطرح گردیده، ولی هیچ‌کدام از نظریه‌های مطرح شده به‌تنهایی قادر به ارائه الگوی جامع در این خصوص نبوده است (صمدوند و طالب‌زاده، ۱۴۰۰: ۷۲).

پیشگیری از جرم در نظام جزایی اسلام نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. متکی به آیات و روایات متعدد، پیشگیری از جرم در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و جزء اصول اساسی نظام جزایی اسلام قلمداد شده است (سبحانی و الهی منش، ۱۳۹۴: ۷۰). روش‌ها و الگوهای خاص پیشگیری از جرم در آموزه‌های اسلامی وجود دارد که وجه تمایز آن با روش‌ها و الگوهای ارائه شده توسط جرم‌شناسان محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های پیشگیری از جرم در نظام کیفری اسلام، آن است که کارآمدی و مؤثریت اقدامات پیشگیرانه اختصاص به روش‌های بیرونی ندارد؛ بلکه به بُعد درونی و تربیتی افراد نیز توجه می‌شود تا زمینه‌های ذهنی و اعتقادی ارتکاب جرم را در آنان از بین ببرد. در این میان یکی از روش‌هایی که در نظام کیفری اسلام در خصوص پیشگیری از جرم و تکرار آن مورد تأکید قرار گرفته، احترام به شخصیت انسانی مجرمان است.

مطابق آموزه‌های اسلامی، احترام گذاشتن به شخصیت و جایگاه انسانی مجرمین تأثیر به سزایی در خودداری آنان از ارتکاب جرم دارد؛ لذا پژوهش حاضر در پی آن است تا با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش احترام به شخصیت انسانی مجرمین در پیشگیری از جرم از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته و به این مسأله پاسخ ارائه نماید که چگونه می‌توان با احترام به شخصیت انسانی مجرمین آنان را از تکرار جرم بازداشت؟ منظور از احترام به شخصیت انسانی مجرمین در آموزه‌های اسلامی چیست و مبانی آن کدامند؟ برای ارائه پاسخ به این سؤالات پژوهش حاضر ابتدا به بررسی مفهوم پیشگیری از جرم و مفهوم احترام به شخصیت انسانی مجرم پرداخته (قسمت اول)، سپس مبانی احترام به شخصیت انسانی مجرم در اندیشه اسلامی را مورد مطالعه قرار داده (قسمت دوم) و در اخیر انواع پیشگیری از جرم و جایگاه احترام به شخصیت انسانی مجرم را مورد بررسی قرار داده (قسمت سوم) است.

الف) مفاهیم

پژوهش حاضر حاوی واژگان کلیدی است که بدون تبیین مفهوم آن‌ها، تبیین موضوع دشوار خواهد بود. یکی گزاره پیشگیری از جرم و دیگری احترام به شخصیت مجرم است؛ لذا در این قسمت ابتدا به بررسی مفهوم پیشگیری از جرم و سپس احترام به شخصیت انسانی مجرم می‌پردازیم.

۱. مفهوم پیشگیری از جرم

پیشگیری در لغت به معنای «جلوگیری، دفع، منع، صیانت، حفظ صحت و جلوگیری از وقوع مرض گرفتن آمده است» (معین، ۱۳۷۳: ذیل واژه). «معنای لغوی «پیشگیری»، در دو بخش «جلوی وقوع چیزی را گرفتن» و «هشدار دادن درباره وقوع چیز» نهفته است» (عابدی، ۱۳۸۸: ۱۹). با توجه به تعدد معانی لغوی پیشگیری به لحاظ اصطلاحی نیز معانی و مفاهیم مختلفی برای این واژه بیان شده است. قدر مسلم آن است که معنایی که در گذشته بیش‌تر از این واژه برداشت می‌شد، پیشگیری کیفری بود که شامل مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیری می‌شد که امروزه تحت عنوان اقدامات تأمینی مطرح می‌شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۲۸۴)؛ اما امروزه معنای پیشگیری از جرم توسعه پیدا کرده و در این خصوص حداقل دو رویکرد سیاست جنایی و جرم‌شناختی قابل بررسی است. در واقع در مورد مفهوم پیشگیری از جرم دو طرز تلقی متفاوت وجود دارد.

برخی پیشگیری از جرم را از بُعد سیاست جنایی مورد بررسی قرار داده و در بیان مفهوم آن چنین آورده اند: «مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاست جنایی است که غایت انحصاری یا غیر کلی آن، تحدید حدود امکان رخداد مجموع اعمال جنایی از طریق غیر ممکن الوقوع ساختن یا دشوار کردن یا احتمال وقوع آن را پایین آوردن است» (حسینی و نوذری فردوسی، ۱۳۹۳: ۸۶). در این تعریف آنچه برجسته به نظر می‌رسد این است که سیاست جنایی باید به سمتی حرکت کند که نتیجه نهایی

آن جلوگیری یا حداقل کاهش وقوع جرم باشد. برخی دیگر از دانشمندان معتقدند که پیشگیری از جرم نه تنها باید موجب کاهش جرم گردد، بلکه نتیجه آن باید کاهش ترس از جرم نیز باشد؛ لذا مفهوم پیشگیری را توسعه داده و چنین تعریف کرده‌اند: «مجموعه راهبردها و تدابیر اتخاذی در یک جامعه معین و در زمان معین در زمینه پیشگیری و یا کاهش اعمال ناقض هنجارهای اجتماعی و یا قانونی و نیز مسائل ناشی از آن مانند ترس از جرم» (جندلی، ۱۳۹۳: ۳۳). وجه مشترک هر دو تعریف فوق این است که پیشگیری از جرم را از زاویه سیاست جنایی مورد بررسی قرار داده و آن را شاخه از اقداماتی می‌داند که باید در سیاست جنایی یک کشور لحاظ شود. این اقدامات که به نام اقدامات یا پاسخ‌های پیشگیرانه یاد می‌شود، به دو صورت پاسخ‌های کنشی و واکنشی ممکن است صورت بگیرند که جزء مؤلفه‌های مفهوم مضیق سیاست جنایی قلمداد می‌شود (رایجیان، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

اما برخی دیگر پیشگیری از جرم را از بعد جرم‌شناختی مورد بررسی قرار داده و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزه‌کاری، به جلو جرم رفتن و پیشی گرفتن از آن است» (صمدوند و طالب‌زاده، ۱۴۰۰: ۷۶). بر اساس این تعریف پیشگیری از جرم ناظر به رویکردها و راهکارهایی است که بتواند قبل و بعد از وقوع جرم اعمال شود و از وقوع یا تکرار آن جلوگیری نماید. نکته‌ی که در این تعریف نهفته است این است که پیشگیری از جرم با توجه به عناصر اصلی جرم یعنی مجرم، بزه‌دیده و شرایط محیطی باید در هر سه بخش فعال باشد تا بتواند به موفقیت لازم دست یابد. پس به لحاظ جرم‌شناسی پیشگیری از جرم به اقدامات پیش از وقوع و بعد از وقوع جرم اطلاق می‌گردد که با مداخله در عوامل جرم باعث کاهش خطر وقوع جرم می‌گردد (ekblom, 2000: 32). با توجه به دو معنای لغوی پیشگیری از جرم یعنی جلوگیری از وقوع جرم و هشدار نسبت به آن، می‌توان گفت در جرم‌شناسی پیشگیری به معنای اول آن موردنظر است؛ یعنی هدف اصلی پیشگیری از جرم به کار بردن فنون مختلف به منظور جلوگیری از بزه‌کاری و وقوع جرم است؛ بنابراین از میان دو رویکرد کنشی و واکنشی آن که محور اصلی مباحث پیشگیری از جرم را در جرم‌شناسی تشکیل می‌دهد، اقدامات کنشی است (رایجیان، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

بنابراین در خصوص مفهوم پیشگیری از جرم دو رویکرد کلی نگاه جرم‌شناختی و نگاه سیاست جنایی وجود دارد؛ اما نتیجه کلی هر دو مورد یکی است و آن این که جلو جرم گرفته شود و با اقدامات مواجهه با جرم باید قبل از وقوع جرم باشد. اقدامات مواجهه با جرم نیز می‌تواند به دو صورت کلی انجام شود. نخست اقداماتی است که توسط دولت و نهادهای رسمی دولتی انجام می‌شود که در این صورت منظور مفهوم مضیق پیشگیری از جرم است، دوم اقداماتی که توسط دولت و جامعه و گاهی حتی افراد ممکن است انجام شود. در این نگاه اقدامات پیشگیرانه محدود به بازه زمانی بعد

از وقوع جرم نیست، بلکه شامل موارد قبل از وقوع جرم نیز می‌شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۳۸۵). لذا پیشگیری از جرم در مفهوم موسع شامل اقدامات واکنشی و کنشی می‌گردد که در راستای جلوگیری از وقوع جرم توسط دولت و جامعه اتخاذ و اجرا می‌گردد (نیاز پور، ۱۳۸۳: ۱۷۰). چنانچه در معیارهای چهارگانه ریموند گسن نیز بیش‌تر مفهوم موسع پیشگیری از جرم مدنظر قرار گرفته است؛ زیرا وی معتقد است که پیشگیری از جرم باید دارای چهار معیار باشد: نخست این‌که اقدامات پیشگیرانه باید ناظر بر عوامل و زمینه‌های بروز بزه‌کاری باشد، دوم این‌که مخاطب این اقدامات جامعه است، سوم این‌که این اقدامات باید قبل از وقوع جرم باشد و چهارم این‌که سرکوبگرانه و قهرآمیز نباشند. این معیارها اولاً به‌جای توجه به فرد به عوامل جرم تأکید دارند؛ ثانیاً شامل جرم به معنای قانونی و جرم‌شناختی آن می‌شوند، ثالثاً به اقدامات کنشی تأکید بیش‌تر دارد و رابعاً نقش جامعه را در پیشگیری از جرم برجسته می‌سازد. در همین راستا برخی دیگر از نویسندگان، پیشگیری را به معنای اقدامات غیر کیفری دانسته که شامل پیش‌بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم به هدف از بین بردن جرم یا کاهش آن می‌شود؛ بنابراین مفهوم جرم‌شناسی پیشگیری، ناظر به اقداماتی است که جنبه کیفری و سزا دهی نداشته، بلکه هدف و مقصود اصلی آن‌ها جلوگیری از ارتکاب و تکرار جرم از طریق روش‌های غیر کیفری است.

۲. مفهوم احترام به شخصیت انسانی مجرم

یکی از واژگان کلیدی پژوهش حاضر احترام به شخصیت انسانی مجرم است. با توجه به این‌که این گزاره به صورت ترکیبی به کار رفته، تبیین معنای آن مستلزم دقت در واژگان به کار رفته در آن از قبیل احترام، شخصیت و مجرم است. واژه احترام که معادل آن در زبان عربی تکریم است به معنای گرامی داشتن، تعظیم کردن و احترام گذاشتن به دیگری است (عمید، ۱۳۸۹: ۳۵۹). معنای اصطلاحی احترام نیز معادل معنای لغوی آن است؛ اما این‌که جرم چیست و چه زمانی می‌توان فردی را مجرم محسوب کرد، مسأله است که حقوق‌دانان و جرم‌شناسان پاسخ‌های متفاوتی برای آن ارائه کرده‌اند. از بُعد حقوق کیفری، مجرم کسی است که توسط حکم قطعی دادگاه صالح و بر اساس قانون از قبل وضع‌شده، محکوم به مجازات شده باشد؛ اما مفهوم جرم در جرم‌شناسی نقض هنجارهای اجتماعی است، اعم از این‌که قانون‌گذار برای مرتکب آن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده باشد یا خیر. در واقع جرم از منظر جرم‌شناسی مفهوم موسعی دارد که حتی شامل جرایم کشف نشده و مواردی جرم انگاری نشده نیز می‌گردد (میر خلیلی، ۱۳۹۷: ۳۸)؛ بنابراین با توجه به دو گزاره احترام و مجرم می‌توان گفت منظور از احترام به شخصیت انسانی مجرم عبارت است از رعایت حقوق انسانی و احترام به کرامت و شخصیت افرادی که هنجارهای اجتماعی را نقض نموده و جامعه آن را به‌عنوان مجرم می‌شناسد. احترام به شخصیت انسانی مجرم ریشه در این

باور دارد که بر اساس آموزه‌های اسلامی، کرامت و حرمت ذاتی انسان را خداوند اعطا کرده و این حرمت صرفاً با حکم او نیز قابل سلب است. مجرمی که با ارتکاب جرم، خود را در معرض مجازات قرار داده، درواقع به میزان جرمش باید مجازات گردد و نه بیش‌تر از آن. به بیان دیگر اذن خدای متعال به اعمال مجازات بر مجرم اولاً به معنای سلب کرامت ذاتی او نیست. ثانیاً این مجازات نباید از میزان معین شده توسط شارع بیش‌تر باشد. ثالثاً مجازات باید به گونه‌ای باشد که منجر به کاهش جرم شده، از تکرار آن توسط مجرم جلوگیری نماید. رابعاً مجازات باید منجر به اصلاح و بازگشت مجرم گردد؛ لذا احترام به شخصیت انسانی مجرم چه در مرحله اجرای مجازات و چه در مرحله بعد از اجرای مجازات به معنای شیوه خاصی از تعامل دیگران اعم از نهادها، مأموران دولتی و افراد جامعه با مجرم است که نتیجه آن بازگشت مجرم به جامعه و عدم ارتکاب مجدد جرم باشد. از همین رو «در مقررات جزایی اسلام، سیاست کیفری مبتنی بر اصول و مراحل متعددی است که از آن جمله تأمین خیر، سعادت، مصلحت و منفعت انسان‌ها باهدف اجرای عدالت در جامعه، حراست از ارزش‌های دینی و جان و مال و ناموس امت اسلامی را می‌توان نام برد» (حسینی و نودری فردوسی، ۱۳۹۳: ۸۷).

مطابق آموزه‌های اسلامی، احترام به شخصیت انسانی مجرم، لزوماً به این معنا نیست که مجرم باید مستحق احترام باشد، بلکه از بعد دیگری به شخصیت مجرم باید نگاه کرد و آن این‌که وظیفه جامعه حفظ احترام شخصیت انسانی مجرم است، ولو اینکه او به دلیل ارتکاب جرم واقعاً مستحق احترام نیز نباشد؛ زیرا گاهی ممکن است فرد به خاطر باورها، رفتارها و کنش‌های خود حتی شایستگی احترام را نیز نداشته باشد، بازهم باید به او احترام گذاشت. در واقع این حرمت‌گذاری، ارج نهادن و تعظیم کردن او از جانب اکرام‌کننده است و بیانگر آن است که هرچند مجرم با نقض هنجارها و ارزش‌های تعین یافته، شایستگی و لیاقت خود برای احترام را از دست داده، اما وظیفه دیگران در قبال او تمام نشده است؛ زیرا احترام به شخصیت انسانی مجرم از مسائل مربوط به رابطه انسان و خدای متعال است؛ چنانچه این رابطه مبتنی بر حفظ کرامت ذاتی انسان باشد، طبیعی است که سایر افراد نیز ملزم به رعایت آن خواهد بود. این کرامت را صرفاً خداوند متعال می‌تواند از انسان سلب کند؛ بنابراین وقتی صحبت از احترام به شخصیت انسانی مجرم می‌شود، منظور ما این است که نحوه تعامل جامعه و افراد با مجرم باید بر اساس کرامت ذاتی، جایگاه انسانی و خیر و صلاح مرتکب جرم شکل بگیرد. برآیند چنین نگرشی نسبت به مجرم می‌تواند او را از تکرار جرم بازداشته و منجر به بازگشت او به جامعه گردد.

ب) مبانی دینی احترام به شخصیت انسانی مجرم

یکی از مسائلی که در خصوص احترام به شخصیت انسانی مجرم ممکن است، مطرح شود این است که فرد مجرم با ارتکاب جرم، کرامت و احترامی را که خداوند متعال به او داده بود، از بین برده است؛ لذا دیگر دلیلی ندارد که مورد احترام واقع شود. برای تبیین این مسأله لازم است نگاهی به مبانی دینی جایگاه انسان انداخته و به این مسأله پاسخ ارائه نماییم که آیا ارتکاب جرم می‌تواند دلیل بر سلب کرامت انسان شود یا خیر؟ جهت ارائه پاسخ به این مسأله می‌توان گفت مبانی احترام به شخصیت انسانی مجرم در آموزه‌های دینی به دو دسته مبانی نقلی و مبانی عقلی قابل تقسیم است.

۱. مبانی قرآنی و روایی

قرآن و روایات مهم‌ترین منابع آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شوند. بسیاری از احکام و قواعد فقهی در امور کیفری را می‌توان از این دو منبع به دست آورد. احترام به شخصیت انسانی مجرم نیز از مواردی است که باید مشروعیت و جایگاه آن را در آموزه‌های اسلامی از منظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار داد.

۱.۱. مبانی احترام به شخصیت انسانی مجرم از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم هرچند به صورت صریح به بحث احترام به شخصیت انسانی مجرم و این‌که این مسأله چه تأثیری بر پیشگیری از جرم دارد، اشاره‌ای نشده است؛ اما آیات متعددی وجود دارد که می‌توان از مجموع آن‌ها مبانی قرآنی احترام به شخصیت انسانی مجرم را استنباط نمود. از جمله می‌توان به آیه ۱۹۴ سوره بقره اشاره نمود که می‌فرماید: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ مِّمَّنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ». استدلال به این آیه بدین گونه است که هرچند مجرم به ارزش‌های اجتماعی تجاوز و تعدی کرده است، اما این تجاوز دلیل بر جواز ظلم بر وی نمی‌گردد؛ لذا میزان مجازات بر مرتکب اولاً باید به اندازه تجاوز صورت گرفته باشد که این خود بیانگر اصل تناسب جرم و مجازات است و از سوی دیگر این مجازات باید بر اساس احکام شریعت باشد؛ لذا عامه مردم حق اعمال مجازات را ندارند. درحالی‌که همه مردم وظیفه دارند حرمت و کرامت افراد را حفظ و آنان را در راستایی جلوگیری از ارتکاب جرم یا تکرار آن یاری رسانند؛ زیرا آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (اسراء: ۷۰)؛ اطلاق داشته و شامل مجرم و غیر مجرم را می‌گردد.

هم‌چنین بر اساس آیه: «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲). احترام به شخصیت انسانی مجرم به هدف پیشگیری از جرم از مصادیق کمک به تقوا محسوب می‌شود؛ زیرا چنین تعاملی با مجرم باعث می‌شود تا آن‌ها به راحتی گذشته مجرمانه‌شان را فراموش کرده، به زندگی عادی خود بازگردند. استدلال به این آیه بدین

صورت است که اگر کاری یا رفتاری موجب شود که فردی مرتکب جرم و معصیت شود، مصداق تعاون بر اثم محسوب می‌شود. در نقطه مقابل هر کاری یا هر روش رفتاری که موجب بازداشتن فردی از ارتکاب جرم گردد، مصداق تعاون بر نیکی محسوب می‌شود که از نظر قرآن امر پسندیده‌ای است. پیامبر اکرم اعانت بر تقوا و نیکوکاری را از جمله مصادیق احترام گذاشتن قلمداد کرده، چنین فرموده است: «رحم الله من اعان ولده علی بره. قال قلت کیف یعینه علی بره. قال یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره و لا یرهقه و لا یخرق به و لیس ینه و بین ان یدخل فی حد من حدود الکفر الا ان یدخل فی عقوق او قطیعة رحم ثم قال رسول الله الجنه طیبه طیب ها الله و طیب ریحها یوجد ریحها من مسیره الفی عام و لا یجد ریح الجنه عاق؛ خدا رحمت کند هر که پسرش را در انجام کار نیک یاری کند. پرسید: چگونه او را یاری کند؟ فرمود: آسانی را می‌پذیرد و از سختی چشم‌پوشی می‌کند و بر او بار نمی‌آورد و تخطی نمی‌کند و بین او چیزی نیست که در یکی از حدود کفر وارد شود، مگر اینکه وارد عصیان شود یا رابطه خویشاوندی را قطع کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وصحبه و سلم فرمود: بهشت نیکو است، خداوند او را نیکو ساخته، و بوی آن نیکو است، بوی آن از فاصله هزار سال راه به مشام می‌رسد، ولی کسی که عاق والدین باشد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۸۹).

از آنجایی که در روایات متعددی خودکم‌بینی و ضعف شخصیت یکی از عوامل ارتکاب جرم قلمداد شده و امروزه توسط علوم تجربی از جمله جرم‌شناسی نیز به اثبات رسیده است که ضعف شخصیت و بی‌بهره بودن از امکانات و جایگاه اجتماعی یکی از علل مهم گرایش افراد به جرم محسوب می‌شود؛ می‌توان نتیجه گرفت که احترام به شخصیت انسانی مجرمان این خلاء شخصیتی آن‌ها را پُر نموده و باعث خودداری آنان از ارتکاب و تکرار جرم می‌شود. در واقع احترام گذاشتن به شخصیت انسانی مجرمان، گرایش‌های مجرمانه را در وجود آنان تضعیف نموده، مانع تمایل آن‌ها به تکرار جرم می‌گردد.

۲.۱. مبنای روایی احترام به شخصیت انسانی مجرم

روایات دال بر احترام به انسان را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. یکی روایاتی که مطلق احترام گذاشتن به مؤمنین را مورد سفارش قرار داده‌اند که شامل مجرمان مؤمن نیز می‌گردد. دوم روایاتی که به صورت خاص دلالت بر احترام به جایگاه انسانی مجرمان دارد. از دسته اول می‌توان به این روایات اشاره نمود: «مؤمن لازم است برادر ایمانی خویش را تجلیل کرده در دلش او را دوست بدارد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۹۸). این دوست داشتن مطلق است و شامل مؤمن گناه‌کار و مجرم نیز می‌شود. همچنان در صحیح البخاری و صحیح مسلم روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله وصحبه و سلم فرمود: «مؤمن برادر مؤمن است نه به او ستم می‌کند و نه او را تسلیم

(دشمن) می‌کند». (فتح الباری ج ۵: ۹۷) در روایتی دیگر حضرت علی رضی الله عنه احترام و محبت به مؤمن را به خاطر ایمانش دانسته چنین فرموده است: «خداوند متعال عبد مؤمن را به خاطر ایمانش دوست می‌دارد و از عمل او کراهت دارد به خاطر حرام و ناپسند بودن» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۹: ۲۳۰). در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت فرمود: «المؤمن أعظم حرمة من الكعبة» (وهبة الزحیلی، بی تا، ج ۸، ۵۱۵). هم چنین در روایت دیگری آمده است که «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَحُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةَ مِنْكَ، مَالِهِ، وَدَمِهِ، وَأَنْ نَظُنَّ بِهِ إِلَّا خَيْرًا» (ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ۱۲۹۷؛ طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۳۶۵). به همین دلیل برخی تصریح کرده‌اند که ایمان سبب احترام انسان می‌شود، هرچند که این انسان گاهی مرتکب جرم نیز شود: «مسلمان به خاطر ایمانی که دارد باید موردتکریم قرار گیرد و تعامل مثبت به عنوان یک قاعده اولیه در نظر گرفته شود» (مقیسه، نوئی و موسوی، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

دسته دوم روایاتی است که به صورت صریح بر مسأله احترام گذاشتن به مجرمان و حفظ کرامت انسانی آنان پرداخته است. صاحب جواهر در کتاب سرقت روایتی را نقل می‌کند که حضرت علی رضی الله عنه بعد از آن که دست سارقان را قطع کرد، آن‌ها را در مهمانخانه‌ای جای داد و به قنبر دستور داد تا به آن‌ها روغن و غسل داده و بعد از بهبودی به آن‌ها لباس فاخر بپوشاند. بدین ترتیب امام آن‌ها را با رفتار و گفتار خویش شخصیت آنان را مورد احترام قرار داده است: «وفی المرسل عن الحرث بن الحظیره قال: مررت بحبشی و هو یستقی بالمدينة فاذا هو قطع: فقلت: من قطعک؟ قال: قطعنی خیر الناس، انا خذنا فی سرقة و نحن ثمانية نفر، فذهب بنا الی علی بن ابی طالب فاقرنا بالسرقة، فقال لنا: اتعرفون أنها حرام؟ فقلنا: نعم، فامر بنا فقطعت اصابعنا من الراحة و خلیت الابهام، ثم امر بنا فحبسنا فی بیت یطعمنا من السمن و العسل حتی برئت ایدینا، ثم امر بنا اخرجنا فکسانا فاحسن کسوتنا، ثم قال: ان تتوبوا و تصلحوا فهو خیر لکم یلحکم الله بایدیکم فی الجنة، و الا تفعلوا یلحکم الله بایدیکم فی النار» (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۱، ۵۲۸). اظهار شادمانی مجرم در این روایت، حکایت از این دارد که احترام گذاشتن به او توسط حضرت علی باعث شده تا دست از تکرار جرم برداشته و به زندگی عادی بر گردد؛ لذا روایت دلیلی است بر اثبات نقش مثبت احترام گذاشتن به شخصیت انسانی مجرم در پیشگیری از جرم.

همچنین در روایت دیگری به ضرورت حفظ کرامت مجرم چنین اشاره شده است: «زمانی که شراحه همدانیه سنگسار شد، مردم بسیار بودند. حضرت علی رضی الله عنه درهای رحبه (میدان) را به دلیل ازدحام جمعیت بست. آنگاه شراحه را آوردند در چاله‌اش داخل و سپس سنگسارش کردند تا اینکه مرد. سپس حضرت درهای رحبه را گشود. هر کس که وارد می‌شد، شراحه را لعن می‌کرد. امیر المؤمنین زمانی که لعن مردم را شنید، دستور داد تا منادی ندا دهد: ایها الناس لم یقم الحد علی

احد قط الا كان ذالك كفارة لذالك الذنب كما يجزى الدين بالدين» (ملکوتی فرو ساربان نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۳). نگرش امام به مجازات به مثابه ابزاری برای زدودن آثار منفی جرم است. در واقع از منظر آموزه‌های اسلامی، اعمال مجازات نه به معنای لکه ننگ، بلکه به معنای پاک‌ی از گناه و بازگشت به زندگی عادی قلمداد می‌شود. سیوطی نیز در جامع صغیر جمله به این عبارت را نقل کرده است: «ادروا الحدود بالشبهات، وأقبلوا الکرام عثراتهم، إلا فی حد من حدود الله تعالی» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ۵۱). مفهوم این جمله آن است که در اجرا و تطبیق مجازات‌ها، نباید زیاده‌روی شود، بلکه باید به گونه‌ای باشد که شخصیت و احترام افراد مکرم جامعه رعایت شود و از لغزشهای آنان اغماض شود؛ زیرا فلسفه مجازات در آموزه‌های اسلامی، اصلاح و باز اجتماعی کردن افراد است، لذا برخی تصریح کرده‌اند که «والکرامة حق طبیعی لكل إنسان، فلا يجوز إهدار کرامته، أو إباحة دمه وشرفه سواء أكان محسناً أم مسيئاً، مسلماً أم غیر مسلم، لأن العقاب إصلاح وزجر، لا تنکیل وإهانة، ولا يحل شرعاً السب والشتم والاستهزاء» (زحیلی، بی تا، ج ۸، ۵۱۵).

بر اساس این روایات یکی از اصول برخورد با مجرمان این است که بین عمل و عامل باید تفکیک قائل شد. به بیان دیگر مجرم هرچند رفتارارش ناپسند و غیر ارزشی است، اما این سبب نمی‌شود تا جایگاه و ارزش انسانی او نیز نادیده گرفته شود؛ لذا برخی چنین گفته‌اند که «اگر در جامعه اسلامی فرد مسلمانی تخلفی می‌کند با تخلف مقابله کنیم نه با ذات انسانی و ایمانی متخلف. از عمل او اظهار تبری نموده و عمل او را محکوم کنیم نه شخص و شخصیت او را» (مقیسه، نوئی و موسوی، ۱۴۰۰: ۱۲۳)؛ بنابراین بر اساس روایات اسلامی، ارتکاب جرم باعث نمی‌شود که احترام و کرامت افراد از بین برود.

۲. مبانی عقلی و منطقی

احترام به شخصیت انسانی مجرم علاوه بر این‌که مبنای قرآنی و روایی دارد، از طریق استدلال‌های عقلی و منطقی نیز قابل اثبات است. در این قسمت تلاش می‌کنیم تا به مهم‌ترین مبانی عقلی احترام به شخصیت مجرمان اشاره نماییم.

۲.۱. تأمین عدالت

بر اساس آموزه‌های اسلامی یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات‌ها تأمین عدالت است؛ لذا رعایت این قاعده اقتضا می‌کند که برخورد با مجرمین چنان باشد که هیچ‌گونه ستمی در حق وی اعمال نگردد و اگر خدای ناخواسته کوچک‌ترین اجحافی در حق او شد، به هر ترتیب ممکن از او اعاده حیثیت شود. معنی و مفهوم این روش، این است که هیچ‌گاه فرد مجرم به سبب ارتکاب جرم از حقوق انسانی خویش محروم نمی‌شود، جز آنچه بر اساس حکم الهی و قانون درباره او روا داشته می‌شود (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). متأسفانه در برخی موارد نگرش‌های ناصوابی ممکن است وجود

داشته باشد، مبنی بر اینکه مجرم کسی است که با ارتکاب جرم، از زمره انسان‌ها و انسانیت بیرون رفته و باید شدیداً او را مجازات کرد. این نگرش که با احساسات کینه‌توزانه به مجرم توأم می‌گردد، راه را برای رفتارهای ناصواب و غیرقانونی با مجرم هموار می‌سازد و بدین ترتیب زمینه روانی رفتارهای خلاف قانون از سوی مجریان قانون فراهم می‌گردد. عدالت که کامل‌ترین نوع آن را در نظام کیفری اسلام می‌توان پیدا کرد، مستلزم آن است که برخورد با مجرم باید به تناسب رفتارشان باشد و این برخورد نباید شخصیت و انسانیت او را از بین ببرد.

اصل عدالت اقتضا می‌کند که مجرمین هر چند شایسته تحمل مجازات هستند، اما باید از برخی حقوق اساسی و انسانی خویش بهره‌مند باشند؛ لذا باید با مجرم به گونه‌ی رفتار شود که نوع نگاه و نگرش ما به او منفی نشود و او از حقوق اجتماعی و انسانی خود محروم نگردد. در غیر این صورت میزان مجازات و نوع آن افزایش یافته و متکثر شده و چنین امری خود نوعی اجحاف و ظلم و ستم بر مجرم است (ایزدپناه، غلام‌رضا و وجیهه، ۱۴۰۰: ۳۸۴). مجازات مضاعف نه تنها در آموزه‌های اسلامی و اسناد بین‌المللی ممنوع قرار داده شده، بلکه از نظر عقل و منطق نیز رفتار ناپسند و نکوهیده قلمداد می‌شود؛ بنابراین اجرای عدالت مستلزم آن است که شخصیت و هویت انسانی مجرم از او سلب نگردد، بلکه نهایت چیزی که می‌تواند در حق او اعمال کرد، مجازات شرعی و قانونی است که آن‌هم باید با بهترین روش و مبتنی بر حفظ کرامت انسانی او باشد.

۲.۲. قیاس اولویت

یکی از استدلال‌های عقلی که در خصوص احترام به شخصیت انسانی مجرم بیان شده، قیاس اولویت است. در این روش احترام به شخصیت مجرم در مقایسه به مواردی سنجیده می‌شود که زشتی و قباح آن‌ها بیش‌تر از ارتکاب جرم است. برای مثال برخی با استفاده از مفهوم اولویت کرامت کافر حربی چنین استدلال کرده‌اند که خطری که کافر حربی برای جامعه و افراد دارد، به مراتب شدیدتر از ارتکاب سایر جرایم است. با این وجود مطابق آموزه‌های اسلامی، قذف کافر حربی و بی‌حرمتی به او ممنوع دانسته شده است. درحالی‌که خون او مباح است، اما عرض و آبروی او حرمت دارد. از این گزاره می‌توان چنین استنباط کرد که اگر قذف و بی‌حرمتی به کافر حربی جایز نیست، بی‌احترامی مجرم مسلمان به طریق اولی نباید جایز باشد (علیشاهی قلعه جوقی و دهقان علیشاهی، ۱۳۹۴: ۳۶).

۲.۳. ذاتی بودن کرامت انسان

سومین دلیل عقلی که بر لزوم احترام به شخصیت انسانی مجرم بیان شده، ذاتی بودن کرامت انسان است. منظور از کرامت ذاتی آن نوع شرافت و حیثیتی است که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی تعقل و تفکر و فطرت ایمانی که دارند، به‌طور فطری و یکسان از آن برخوردارند (عینی،

البرزی ورکی و ملکی، ۱۳۹۲: ۹۸). در اینکه انسان دارای کرامت ذاتی است جای هیچ‌گونه شک و تردیدی وجود ندارد. چنان‌که برخی از دانشمندان اسلامی مؤلفه‌های کرامت ذاتی انسان را چنین برشمرده‌اند: «از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند متعال، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خود آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدای متعال و مسئول خویش و جهان، ظرفیت علمی و عملی اش نامحدود است» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۷۲). این نوع کرامت از جانب خداوند متعال به انسان اعطا شده است و همه انسان‌ها و همه افراد انسانی باید این شرافت انسان‌های دیگر را به‌عنوان یک حق شناخته و ضمن این‌که البته خود را از این حق برخوردار می‌دانند، خود را در برابر آن، مکلف نیز بدانند. برخورداری از این نوع کرامت، حاکی از عنایت ویژه پروردگار متعال به آدمی است و به اختیار انسان ربطی ندارد. انسان چه بخواهد چه نخواهد، از این کرامت برخوردار است (ارژنگ و دهقان سیمکانی، ۱۳۹۴: ۳۹).

لازمه ارزشمندی و کرامت انسان، تحفظ کیان، شخصیت و حقوق خاص برای همه انسان‌هاست که هیچ‌کسی نمی‌تواند آن را سلب کند. این کرامت به گروه، قشر، مذهب و منطقه جغرافیایی و نژادی و رنگ پوست اختصاص ندارد و شامل همه انسان‌ها می‌شود. امنیت، عدالت، رضایت خاطر و تأمین نیازهای معیشتی و اقتصادی و آسایش از لوازم حفظ کرامت انسان است؛ لذا برخی معتقدند که سلب چنین کرامت و ارزشی از انسان ناممکن است، حتی اگر انسان مرتکب جرم نیز شده باشد: «کرامت ذاتی یا اعطایی ارتباطی با رفتار و اعمال انسان ندارد و حتی تعدی کردن به حقوق دیگران و ارتکاب جرم و جنایت نیز، باعث سلب این کرامت از انسان نمی‌شود؛ بلکه تنها مجازات خالص الهی و یا قراردادی را برای انسان در پی خواهد داشت. به بیان دیگر چنین نیست که اگر فردی حقوق دیگران را پایمال کرد و ستم و خونریزی کرد و امنیت جامعه را به خطر انداخت، اساساً کرامت از او سلب شود، بلکه کرامت ذاتی او در حد خود باقی است و او تنها در برابر حقوقی که از دیگران سلب نموده و ظلم‌هایی که به دیگران روا داشته است، باید مجازات شود» (علیشاهی قلعه جوقی و دهقان علیشاهی، ۱۳۹۴: ۴۱).

بنابراین ذاتی بودن کرامت انسان سومین مبنای عقلی و منطقی است که می‌توان در خصوص حرمت گذاشتن به مجرمان بیان کرد. از اینجا می‌توان چنین نتیجه گرفت که احترام به شخصیت انسانی مجرمان نه تنها یک امر شرعی و مورد تأکید آیات و روایات است، بلکه یک امر عقلانی و مورد پذیرش عقلا نیز هست. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که این احترام چگونه تحقق پیدا می‌کند؟ به عبارت دیگر الگوی احترام به شخصیت انسانی مجرمان چیست و چه رفتارهای مصداق آن قلمداد کرد؟ هرچند پاسخ اولیه این سؤال ممکن است این باشد که حفظ حرمت و کرامت ذاتی افراد همان احترام گذاشتن به شخصیت انسانی آن‌ها است؛ اما اگر دقت کنیم در

روایات اسلامی به مواردی بر می‌خوریم که مفهوم احترام به مقام و جایگاه انسان از این هم بالاتر می‌رود و آن این که کرامت بخشیدن به مجرم به معنای انتظار داشتن از هر فردی به قدر و اندازه درک و فهم اوست. انتظار داشتن در حد توان و درک فرد، روشن‌ترین مصداق کرامت بخشیدن و احترام گذاشتن به شخصیت فرد است. از مجرمی که مرتکب جرم شده، نباید توقع داشت نماز شب بخواند یا نماز جماعتش ترک نشود. چنین انتظاری برخلاف رفتار کریمانه با اوست؛ بلکه باید به او فرصت داد تا به مرور زمان ارزش‌های اجتماعی را درونی ساخته و خود را برای رشد و تعالی آماده سازد.

ج) مؤلفه‌های احترام به شخصیت انسانی مجرم در آموزه‌های اسلامی

لازمه عینیت بخشیدن به سیاست جنایی مبتنی بر احترام به شخصیت انسانی مجرم و نقش آن در پیشگیری از جرم این است که مؤلفه‌های آن را به صورت واضح و روشن تبیین نماییم. در واقع مسأله‌ای که در این قسمت در پی بررسی آنیم، مؤلفه‌های احترام گذاشتن به شخصیت انسانی مجرم در آموزه‌های اسلامی است که مهم‌ترین مصادیق آن شامل موارد ذیل می‌گردد.

۱. عیب‌پوشی و بزه‌پوشی

یکی از مهم‌ترین رویکردهای اسلام به مسأله مواجهه با جرم و پیشگیری از تکرار جرم، بزه‌پوشی و تأکید بر حفظ حرمت و آبروی مؤمن است که باعث می‌شود فرد دیگر به سمت ارتکاب جرم نرود (حیدری و مؤمنی، ۱۳۹۸: ۶۵). در این صورت نه تنها عزت و آبروی بزه‌کار حفظ می‌شود؛ بلکه از شیوع و عادی شدن جرم نیز جلوگیری می‌گردد. اصولاً رویکرد سیاست جنایی اسلام در برخی جرایم مبتنی بر بزه‌پوشی است؛ زیرا در بسیاری از جرایم، پنهان ماندن جرم خود می‌تواند به جلوگیری از تکرار آن کمک کند. تحلیل جرم‌شناسانه این رویکرد آن است که با پنهان ماندن جرم، مجرم حشیت و اعتبار اجتماعی خود را از دست نمی‌دهند؛ لذا سعی می‌کنند به خاطر حفظ مکان و جایگاه اجتماعی خود از تکرار جرم خودداری نماید. به بیان دیگر هر قدر فرد، پیوند اجتماعی قوی‌تری داشته و در گروه‌ها و نهادهای مختلف فعالیت کند، رفتار وی کنترل شده و از ارتکاب جرم خودداری می‌کند (تقی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

برخی از جرم‌شناسان نیز آسان‌گیری در مجازات و حفظ شخصیت اجتماعی مجرم را در پیشگیری از جرم مؤثر دانسته‌اند: «اگر مجازات مقصران را تقلیل دهیم، می‌توانیم آسان‌تر آنان را اصلاح کنیم، زیرا وقتی فرد اعتبار و آبروی خود را کاملاً از دست نداده است در رفتار و کردار خویش دقت و مراقبت بیشتری به خرج خواهد داد» (پرادل، ۱۳۸۱: ۲۱). تأکید پیامبر اکرم صلوات الله علیه و حضرت علی رضی الله عنه و دیگر بزرگان دین بر این که مجرمین باید از اقرار خودداری نمایند و گناه و جرمشان را پوشانده بین خود و خدای خود توبه کنند تا آبرو و عزت‌شان بین مردم از بین نرود،

خود بیانگر این نکته است که انسان و به ویژه انسان مؤمن در اندیشه اسلامی دارای کرامت و حرمت است و حتی اگر مرتکب جرم نیز شده باشد، باید این کرامت او حفظ گردد (پیوندی، ۱۳۹۵: ۹۹). بنابراین به اندازه‌ای که نظام کیفری در تولید و تقویت حیثیت‌های اجتماعی، محلی، شخصیت و آبروهای بازدارنده تلاش کند، به همان میزان، حیثیت‌ها مانع رشد جرم و گناه می‌شوند (عابدی، ۱۳۸۸: ۵۰). از همین رو نحوه تعامل مجریان قانون و دستگاه عدالت کیفری با مجرمان بسیار مهم است. در صورتی که این تعامل بر مبنای ارزش‌های ذاتی انسان و اصل کرامت انسانی استوار باشد، می‌تواند باعث جلوگیری از ارتکاب جرم شود، ولی چنانچه تعامل با مجرمان به گونه‌ای باشد که او را از جامعه طرد نموده و حیثیت اجتماعی فرد را نابود سازد، طبیعی است که زمینه بازگشت او به جامعه را نیز از بین برده و راهی جز ارتکاب مجدد جرم برای او باقی نخواهد ماند.

۲. صرف نظر کردن از برخی مجازات‌ها

یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات‌ها در نظام کیفری اسلام به‌ویژه در خصوص مجازات‌های تعزیری، اصلاح و عبرت‌آموزی مجرم است. گاهی ممکن است این هدف بدون اعمال مجازات‌ها حاصل شود که در این صورت عقل و منطق حکم می‌کند که نباید بر اجرای کیفر پافشاری کرد؛ لذا در آموزه‌های اسلامی موارد زیادی را می‌توان یافت که بر اصل فردی کردن مجازات‌ها تأکید نموده و در صورتی که مجرم خود متوجه رفتار ناشایست خود شده باشد، به حاکم و قاضی اجازه داده شده است تا از اعمال و تطبیق مجازات بر چنین فردی خودداری نماید یا حداقل کم‌ترین میزان مجازات را بر او تطبیق نماید. این مسأله خود نشان از این دارد که گاهی ممکن است مجازات نکردن که یک نوع حرمت‌گذاری به مجرم است، مؤثرترین روش پیشگیری از جرم باشد.

در آموزه‌های اسلامی نمونه‌های زیادی وجود دارد که بیانگر صرف نظر کردن حاکم اسلامی از اجرای مجازات دارند. حتی چنین رویکردی در خصوص جرایم حدی که جزء مقررات کیفری ثابت قلمداد می‌شود نیز وجود داشته است. برای مثال در روایتی نقل شده است که حضرت علی رضی الله عنه فردی را که سرقت کرده بود، به خاطر قرائت سوره بقره بخشید و از مجازات او صرف نظر نمود: «جاء رجل الى امير المومنين فاقرعنده بالسرقة، فقال: انقرأ شيا من كتاب الله تعالى؟ قال: نعم سورة البقرة، قال: قد وهبت يدك بسورة البقرة، فقال الاشعث: اتعطل حدا من حدود الله تعالى؟ قال: و مايدريك ما هذا؟ اذا قامت البينه فليس للامام ان يعفو، و اذا اقرا الرجل على نفسه فذاك الى الامام؛ ان شاء عفا و ان شاء قطع» (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۱: ۵۲۷)؛ بنابراین نگاه کرامت مدارانه به مجرمان در بعضی موارد اقتضا دارد که جنبه‌های مثبت شخصیت مجرم بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد و از اعمال مجازات‌های که باعث تحقیر او می‌شود خودداری شود. به‌ویژه در مواردی که اصلاح و

باز اجتماعی کردن مجرم بدون اعمال مجازات متصور باشد، گذشت و عفو مجازات نقش به سزایی در پیشگیری از جرم دارد.

۳. فراهم سازی زمینه‌های اصلاح و بازگشت

اعمال هر مجازاتی باید آثار و نتایج مثبتی برای جامعه و مجرم در پی داشته باشد. در واقع فلسفه این جهانی بودن مجازات‌ها این است که آثار و نتایج آن در این جهان ظاهر گردد. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین نتایج و پیامدهای اعمال کیفر بر مجرم، پیشگیری از تکرار جرم است. این هدف زمانی حاصل می‌شود که مجرم در عین این‌که مورد مجازات واقع می‌شود، احساس کند که شخصیت انسانی او پایمال نشده و هنوز امیدی به بازگشت به جامعه برایش وجود داشته باشد (علیشاهی قلعه جوقی و دهقان علیشاهی، ۱۳۹۴: ۴۶). به عبارت دیگر مجازات باید به گونه‌ای باشد که راه برگشت مجرم به جامعه را باز کند، نه این‌که مانع بازگشت او قرار بگیرد. مجرمی که دیگر نتواند در جامعه نقش مثبتی بازی کند، طبیعی است که دیگر نمی‌تواند دست از جرم و رفتارهای مجرمانه بردارد؛ زیرا «اصلاح به مفهوم بهبود وضعیت اخلاقی فرد مبتنی بر این فرض است که چیز اشتباه یا بد در بزه‌کار بوده که تحت تربیت توأم با نظم، قابل اصلاح، دگرگونی و یا شکل‌دهی مجدد است و همراه با رفتار بهبود یافته که در نهاد مربوطه آموخته می‌شود، فرد دیگر در آینده دست به ارتکاب جرم نخواهد زد» (مرادی کوچی، ۱۳۹۸: ۹۶).

اما باید توجه داشت که در بازگشت مجرم به جامعه، هرکدام از نهادهای رسمی و غیررسمی و حتی افراد جامعه وظایف و تکالیفی دارند. وظیفه نهادهای رسمی این است که در اعمال مجازات حد اعتدال و انصاف را رعایت کنند، وظیفه جامعه این است که زمینه برگشت مجرم را فراهم سازد و وظیفه افراد نیز این است که مجرم را در بازگشت به جامعه کمک و مساعدت نماید. یکی از راه‌های که باعث می‌شود مجرم به راحتی به دامن جامعه برگردد، احترام به شخصیت انسانی او توسط افراد است. از این طریق شخص احساس شخصیت نموده و خود را عضو مفید جامعه می‌داند، لذا به خاطر حفظ جایگاه اجتماعی خود هم که شده به سمت رفتارهای مجرمانه نخواهد رفت. جایگاه اجتماعی که در جرم‌شناسی، سرمایه اجتماعی یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین دلایل خودداری افراد از ارتکاب جرم است؛ لذا مجرمینی که توسط افراد و جامعه مورد تمسخر و بی‌مهری قرار می‌گیرند، ناگزیرند دوباره به جمع مجرمین دیگر پیوسته و بار دیگر مرتکب جرم شود.

در آموزه‌های اسلامی مجرم همچون سایر اشخاص است که راه خطا را پیموده است؛ لذا مجازات باید باعث اصلاح و بازگشت او به زندگی عادی گردد. نه این‌که او را بیش‌تر از قبل از جامعه دور بسازد. بلکه مجرمین قبل از آن‌که مستحق سرزنش و نکوهش باشند، مستحق رحمت و رافت

هستند (کرمی، ۱۳۸۸: ۷۹). چنان‌که حضرت علی فرمود: «انما ینبغی... ان یرحموا اهل الذنوب و المعصیه» (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۷). در جرم‌شناسی مبینون نظریه احسان را در خصوص زندانیان مطرح کرد که بعداً به نظریه ترحم در ایتالیا تبدیل شد، معتقد است که با مجرمین باید از روی احسان و کرامت برخورد کرد تا در آن‌ها حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و حس کرامت نفس ایجاد گردد. بدین ترتیب زمینه اصلاح و بازسازی آن‌ها بیش‌تر فراهم می‌شود تا این‌که مجازات صرفاً به دنبال سرکوب و تحمیل رنج بر مجرمان باشد.

د) پیشگیری کرامت‌مدار

جرم‌شناسان، الگوهای مختلفی را در خصوص پیشگیری از جرم ارائه کرده‌اند. این الگوها هرکدام از زاویه خاص به بررسی روش‌ها و راه‌کارهای پیشگیری از جرم پرداخته‌اند. برخی پیشگیری از جرم را با توجه به عوامل ارتکاب جرم، به دودسته وضعی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند. راهبرد اصلی پیشگیری وضعی کاهش و حذف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم است که شامل اقداماتی چون کنترل مجرم، محافظت از بزه دیده و ایجاد تغییرات محیطی است. به عبارت دیگر: «تمرکز پیشگیری وضعی بر انگیزه‌ها و ایجاد موانع رفتاری خاص، آن را از سایر رویکردهای دیگر پیشگیری از جرم متمایز می‌سازد» (صمدوند و طالب‌زاده، ۱۴۰۰: ۷۹)؛ بنابراین اقدامات پیشگیرانه وضعی ناظر به اوضاع و احوالی است که گذار از مرحله اندیشه به عمل مجرمانه را تسهیل می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۰). درحالی‌که پیشگیری اجتماعی «ریشه‌های گوناگون بزه‌کاری را نشانه می‌گیرد و با استمداد از هیأت اجتماع و از طریق شیوه‌های گوناگون، علل و عوامل مؤثر در فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه را تحت نظارت درمی‌آورد» (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۲۸۹). محور اصلی مباحث پیشگیری اجتماعی، جلوگیری از جرم از طریق سامان‌دهی وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که شخصیت فرد تحت تأثیر آن‌ها شکل می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۰). در پیشگیری اجتماعی یکی از مسائلی که مورد تأکید واقع می‌شود تدابیر فرهنگی است. فرهنگ یک جامعه با نظام اجتماعی و روانی آن جامعه رابطه مستقیم دارد که به‌طور طبیعی بر شخصیت و عواطف افراد نیز تأثیر می‌گذارد (تقی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۹). هم‌چنین در آموزه‌های اسلامی تقویت حیا و فرهنگ‌سازی آن از راه‌های پیشگیری از جرم قلمداد شده است. برای مثال حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: «شخص باغیرت هیچ‌گاه زنا نمی‌کند» (نهج البلاغه: حکمت ۳۰۵). لذا می‌توان گفت از نظر پیشگیری اجتماعی، محبت کردن به کودکان، تأمین نیازهای معنوی، احترام قائل شدن به افراد در روابط اجتماعی می‌تواند در پیشگیری از جرم و تکرار آن مؤثر باشد.

مطابق برخی روایات احترام گذاشتن به مقام و جایگاه انسان و به‌ویژه افرادی که در معرض ارتکاب جرم یا رفتارهای مجرمانه و کج‌روی قرار دارند، باعث پیشگیری از جرم می‌گردد؛ زیرا

انسانی که برای خود سرمایه اجتماعی و خانوادگی احساس کند، کم‌تر به سمت رفتارهای ضد هنجاری می‌رود. در روایتی از امام باقر (ع) احترام افراد به مثابه روشی برای جلوگیری از ارتکاب جرم چنین اشاره شده است: «والله این لصانع بعض ولدی و اجلسه علی فخذی و اکثر له المحبة و اکثر له الشکر، و ان کان الحق لغیره من ولدی، ولكن محافظة علیه منه و من غیره، لئلا یصنعوا به ما فعل بیوسف اخوته» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۱: ۷۸). گاهی بعضی فرزندانم را بیش‌تر از دیگران مورد محبت قرار می‌دهم درحالی‌که فرزند دیگرم از او شایسته‌تر است. به خاطر این‌که از این فرزند و سایر فرزندانم حفاظت کرده باشم. بر اساس این روایت، امام احترام گذاشتن به فردی را که حتی شایستگی آن را ندارد از باب این‌که او را از ارتکاب جرم و کج‌روی محافظت کرده باشد، سفارش می‌کند. در واقع انسان مجرم نیز همانند فرزندی است که شایستگی احترام را ندارد، اما به خاطر این‌که خود این فرد را از ارتکاب جرم و دیگران را از آسیب او در امان نگهداریم، باید او را مورد احترام قرار دهیم.

گروهی از جرم‌شناسان به لحاظ این‌که اقدامات پیشگیرانه شامل کدام افراد و گروه‌ها می‌شود، پیشگیری از جرم را بر اساس مدل طبی به سه دسته تقسیم کرده‌اند: نوع اول پیشگیری اولیه است که دامنه وسیعی داشته و تقریباً شامل همه افراد و گروه‌های اجتماعی می‌گردد. گستردگی دامنه شمول اقدامات پیشگیرانه نقطه قوت و لزوم بکارگیری امکانات بیش‌تر از نقاط ضعف این نوع پیشگیری از جرم محسوب می‌شود. نوع دوم پیشگیری ثانویه است که بر اساس آن اقدامات پیشگیرانه در قبال گروه‌ها و افرادی اعمال می‌گردد که در معرض خطر جرم قرار دارند. برای مثال اقداماتی که برای جلوگیری کودکان بی‌سرپرست و افراد بی‌کار صورت می‌گیرد، جزء پیشگیری ثانویه قلمداد می‌شود. نوع سوم پیشگیری از جرم شامل افرادی می‌گردد که یک‌بار مرتکب جرم شده‌اند. این پیشگیری زمانی اعمال می‌شود که جرم صورت بگیرد و به دنبال جلوگیری از تکرار جرم باشیم. اقداماتی که در نظام کیفری اسلام تحت عنوان نهی از منکر صورت می‌گیرد از مصادیق روشن این نوع پیشگیری محسوب می‌شود (عابدی، ۱۳۸۸: ۲۶). لذا در این نوع پیشگیری مسأله مورد تأکید جلوگیری از تکرار جرم است که از طریق باز اجتماعی کردن مجرمان تحقق پیدا می‌کند (جندلی، ۱۳۹۳: ۳۶). به عبارت دیگر «هدف از پیشگیری نوع سوم متوقف ساختن وضعیت نابهنجار پیش‌آمده است و بیش‌تر به پیشگیری از تکرار جرم از طریق اعمال اقدام‌های فردی و سازگار سازی مجدد بزه‌کاران ناظر است» (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۲۸۹). رویکرد این نوع پیشگیری بیش‌تر کاهش انگیزه‌های جرم است. در واقع هر کاری که بتواند انگیزه جرم را از بین ببرد مورد تأکید این نظریه است؛ لذا تکریم و احترام گذاشتن به مجرمینی که به خاطر خودکم‌بینی یا احساس محرومیت اجتماعی مرتکب جرم شده‌اند، بر اساس این نظریه یکی از بهترین راهکارها برای پیشگیری از جرم محسوب

می‌شود. به همین دلیل برخی از این نوع پیشگیری تحت عنوان، پیشگیری اصلاحی و پیشگیری رهایی‌بخش نیز تعبیر کرده‌اند.

با توجه به الگوها و روش‌های پیشگیری از جرم، می‌توان گفت پیشگیری کرامت‌مدار که مبتنی بر احترام گذاشتن به شخصیت انسانی مجرمان در فرایند کیفر گذاری، رسیدگی قضایی و تعیین مجازات، اعمال مجازات و باز اجتماعی کردن مجرمان شکل گرفته و قوام پیدا می‌کند، یکی از الگوهای است که در نظام کیفری اسلام، مورد تأکید قرار گرفته است. این الگوی کیفری نه تنها نقش مؤثری در جلوگیری از تکرار جرم دارد، بلکه گاهی می‌تواند به عنوان یک الگوی پیشگیری کنشی نیز مورد استفاده قرار بگیرد. بدین صورت که نهادهای ذی ربط با اصلاح نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصاد و آموزشی زمینه کرامت بخشیدن و شخصیت قائل شدن به افراد را فراهم سازند تا بدین ترتیب گرایش‌های مجرمانه در آن‌ها شکل نگرفته و آنان را به سمت رفتارهای مجرمانه سوق ندهد.

نتیجه‌گیری

نظام‌های کیفری روش‌ها و الگوهای مختلفی را در زمینه مواجهه مؤثر با جرم ارائه کرده‌اند. تلاش جرم‌شناسان و دانشمندان حقوق در این راستا قابل ستایش است، اما تجربه ثابت نموده که هیچ‌کدام از این الگوها موفقیت لازم را به دست نیاورده است. شاید به این دلیل باشد که نگاه جرم‌شناسان نسبت به حقیقت انسان نگاه مادی گرایانه و تک بُعدی است. از همین رو راه کارهای ارائه شده در زمینه مواجهه با جرم و کاهش جرایم، نتوانسته به موفقیت لازم دست یابد؛ اما در نظام کیفری اسلام، انسان موجود دوبُعدی و دارای جنبه‌های معنوی بالای است که نقش مؤثر و سازنده‌ای نسبت به رفتارهای او دارد. از همین رو در نظام کیفری اسلام الگوی پیشگیری از جرم شاخصه‌های منحصر به فردی دارد که وجه تمایز با الگوهای جرم‌شناسی تجربی قلمداد می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی پیشگیری از جرم در نظام کیفری اسلام، توجه به شخصیت و کرامت ذاتی افراد است. بر اساس این نگرش کرامت انسان جنبه اعطایی دارد که از سوی خدا برای انسان بخشیده شده است؛ لذا هیچ نهاد و فردی به جز اراده الهی حق سلب این کرامت را ندارد. در اندیشه اسلام همه افراد جامعه موظف‌اند در تعامل با دیگران رفتار مبتنی بر کرامت و احترام داشته باشند. مطابق آیات قرآن و روایات کرامت ذاتی برای همه انسان‌ها وجود دارد، لذا ارتکاب جرم باعث سلب آن نمی‌گردد؛ بلکه مجازات صرفاً می‌تواند در محدوده احکام قانون و شریعت بر مجرمان تطبیق و اعمال گردد. تکریم مجرمان در نظام کیفری اسلام، از پشتوانه مبانی قرآنی، روایی و عقلی برخوردار است؛ زیرا رفتار مبتنی بر کرامت با مجرمان از مصادیق روشن اعانه بر تقوی و نیکوکاری، رعایت عدالت و کرامت ذاتی افراد است.

بنابراین احترام به شخصیت انسانی مجرمان یکی از الگوهایی پیشگیری از جرم در نظام کیفری اسلام محسوب می‌شود؛ زیرا فرد زمانی که ببیند در بین جامعه عزت و شخصیتی ندارد، پابندی‌اش به ارزش‌های اجتماعی کم‌تر خواهد شد. درحالی‌که در نقطه مقابل برخورد کریمانه و مبتنی بر احترام و عزت ممکن است فردی را که تمایلی به سمت رفتارهای مجرمانه دارد، از ارتکاب جرم باز دارد. فردی که سابقه محکومیت دارد، اگر توسط افراد جامعه کرامت و عزتش حفظ نشود، به مرور زمان به سمت گوشه‌نشینی و انزواطلبی سوق پیدا می‌کند که نتیجه آن طبق فرمایش حضرت علی رضی الله عنه رفتن به سمت معصیت و رفتارهای مجرمانه است. به‌ویژه در مواردی که شخص به خاطر یک رفتار مجرمانه کوچک سابقه محکومیت پیدا کرده، نه تنها باید مورد توهین و تحقیر قرار نگیرد، بلکه بر اساس آموزه‌های اسلامی، حکومت و جامعه وظیفه دارد که در چنین مواردی بزه‌پوشی کند تا فرد بتواند حیثیت و جایگاه اجتماعی خود را حفظ نموده از تکرار جرم خودداری نماید.

منابع

۱. قران کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید. (بی تا). سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، سعودی: دار احیا الکتب العربیه.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، ج ۲۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ارژنگ، اردوان و دهقان سیمکانی، مهدی. (۱۳۹۴). «قاعده وجوب تکریم انسان در فقه و حقوق اسلامی»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال ۴۷، شماره ۱۰۰، صص ۳۳-۵۴.
۶. ایزد پناه، غلاو رضا و ایزد پناه، وجیهه. (۱۴۰۰). «حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی»، تمدن حقوقی، دوره ۴، شماره ۹، صص ۳۸۳-۴۰۵.
۷. پرادل، ژان. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه: حسین علی نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.
۸. پیوندی، غلامرضا. (۱۳۹۵). «حکمت‌های کیفر در نظام جزایی اسلام»، حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۸، صص ۹۱-۱۲۵.
۹. تقی پور، علی رضا. (۱۳۹۳). «پیشگیری غیر کیفری از جرم در نهج البلاغه»، نشریه پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۵، صص ۱۲۴-۱۴۰.
۱۰. جندلی، منون. (۱۳۹۳). درآمدی بر پیشگیری از جرم (تاریخچه، تعاریف، رویکردها و دورنماها)، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، تهران: میزان.

۱۱. حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۰). «پیشگیری از جرم»، دانشنامه امام علی، زیر نظر اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه اندیشه اسلامی، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۲۷۹-۳۴۸.
۱۲. حسینی، سید محمد و نوذری فردوسی، محمد. (۱۳۹۳). «سیاست جنائی اسلام در قبال فساد اداری و مطالعه تطبیقی با موازین بین المللی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، سال اول، شماره اول، صص ۸۳-۱۰۱.
۱۳. حیدری، مسعود و مؤمنی، مسعود. (۱۳۹۸). «مقایسه تطبیقی یافته‌های جرم‌شناسان و مکاتب حقوقی معاصر با سیاست جنایی و فقه جزایی علی (ع)»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۷، صص ۵۱-۷۲.
۱۴. رایجیان، مهرداد. (۱۳۸۳). «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۱۲۳-۱۶۸.
۱۵. زحیلی، وهبه. (بی تا). فقه الاسلامی و ادلته، ج ۸، دمش، دارالفکر.
۱۶. سبحانی، روح‌الله و الهی منش، محمدرضا. (۱۳۹۴). «نقش اصول اعتقادی اسلامی در پیشگیری از جرم و انحراف با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه»، نشریه پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، شماره ۱۵، صص ۶۹-۹۶.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (بی تا). الجامع الصغیر، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۸. بخاری، ابو عبد الله (۲۰۰۱م) صحیح البخاری، دار الرسالة. بیروت.
۱۹. صمدوند، سجاد و طالب‌زاده، حمید. (۱۴۰۰). «واکاوی رهیافت‌های پیشگیرانه از جرم از منظر آموزه‌های نهج‌البلاغه»، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۷۱-۹۶.
۲۰. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۰۵). مسند الشامیین، محقق حمدی بن عبدالمجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۱. عابدی، محمد. (۱۳۸۸). وظایف دولت در پیشگیری از جرم (در جامعه اسلامی)، قم: نورالسجاده.
۲۲. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و دهقان علیشاهی، مهدی. (۱۳۹۴). «بررسی مبانی نظری احترام به شخصیت انسانی مجرمان در طول مجازات»، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۳، صص ۳۳-۵۳.
۲۳. عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد.

۲۴. عینی، محسن؛ البرزی ورکی، مسعود و ملکی، امین. (۱۳۹۲). «تکریم حیات و تحولات تقنینی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۹۵-۱۱۲.
۲۵. کرمی، صابر. (۱۳۸۸). سیر مجازات در ادیان و تمدن‌ها، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۷. مرادی کوچی، مهدی. (۱۳۹۸). «کارکرد اصلاحی مجازات در پرتو تحولات کیفری: از رویکرد اصلاحی بزهکاران در زندان تا راهبرد اجتماع-مدار»، نشریه تمدن حقوقی، شماره ۵، صص ۹۳-۱۱۴.
۲۸. مرادی کوچی، مهدی. (۱۳۹۸). «کارکرد اصلاحی مجازات‌ها در پرتو تحولات کیفری: از رویکرد اصلاحی بزهکاران در زندان تا راهبردهای اجتماع مدار»، نشریه تمدن حقوقی، شماره ۵، صص ۹۳-۱۱۴.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. مقیسه، حسین؛ نوئی، ابراهیم و موسوی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). «جایگاه و چگونگی تکریم در تربیت اخلاقی در دوره کودکی»، فصلنامه پژوهشنامه اخلاقی، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صص ۱۱۵-۱۲۸.
۳۱. ملکوتی فر، ولی‌الله و ساریان نژاد، علی. (۱۳۹۰). «پرتویی از آراء فقهی امیر المومنین علی بن ابی طالب (رض) در کلیات حدود و گذری بر آثار آن در قانون جزای اسلامی»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۴۱-۱۶۸.
۳۲. میر خلیلی، سید محمود. (۱۳۹۷). «انسان از منظر سیاست جنایی اسلام و مکاتب جرم‌شناسی»، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره ۱۰، صص ۳۷-۶۰.
۳۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). «پیشگیری عادلانه از جرم»، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، تهران.
۳۴. نجفی، محمدحسن. (۱۳۷۳). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۵. نیاز پور، حسن. (۱۳۹۳). «بررسی جرم‌شناسانه‌ی ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۷، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۳۶. هاشمی خویی، حبیب‌الله، (۱۴۰۰)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه.

36. Ekblom, paul, (2000), future crime prevention-a mindset kit for the seriously foresigte policing and reducing crime, London: unit home office.